

غلام محمد زارع

زخم های بازیکه استعمار به میراث گذاشته است



استعمار برای برآورده شدن اهداف شوم خود در کشور های مستعمره نه تنها آنها را به گردن همدیگر می انداخت ، بلکه در داخل یک کشور اقوام و ملیت ها مختلف را بخاطر تضعیف حکومت مرکزی و تحت فشار قرار دادن آن ، برضد یک دیگر تحریک و تجهیز و تمویل می نمود . نمونه های بیشمار از اینگونه به هم انداختن ها ، تحریکات و تبلیغات سراپای تاریخ گذشته و حال کشور ما را خون آلود ساخته است . گاهی برادر را بر ضد برادر ، زمانی پسر را مقابل پدر و یا هم یک قوم ، ملیت و یا فرقه مذهبی را بر ضد دیگری و یا هم بر ضد حکومت های مرکزی استعمال کرده اند . بریدن پارچه های از خاک کشور ما زیر نام های « دیورند ، گندمک و . . . » یا تحت چنین فشار ها بوده و یا ترس از تحمیل آن .

استعمار بریتانیه که دشمنی ذاتی با کشور ها و مردمان استعمار زده داشت بعد از بیرون رفتن ، زخم های باز را میان کشور های همسایه بجا گذاشت که تا امروز هم خون هزار ها انسان دیگر را ریخته ، شفا نیافته و شفاپذیر نیست .

پاکستان این لکه بدنای بدامن اسلام با تولد نا میمونش منبع شرارت برای کشور های همسایه گردیده است . با ادعا ارضی بر کشمیر و اشغال مناطق پشتون ها و بلوچ ها در سرحد افغانستان ، تولید ، تربیه و صدور تروریسم نه تنها منطقه را متشنج ساخته بلکه دنیا هم از شر آن در امان نمانده است .

مجلس سنا کشور بعد از ابراز نظر گروسمن نماینده امریکا برای افغانستان و پاکستان در مورد خط دیورند نیز خواهان حل این پرابلم شده است . برسمیت شناختن خط دیورند توسط امریکا موضوع تازه و امروزی نیست . در زمان سلطنت ظاهرشاه ، حکومت های افغانستان بار ها از امریکا خواستار کمک های نظامی و اقتصادی شدند که دولت های وقت امریکا کمک های خود را منوط به برسمیت شناختن خط دیورند از طرف افغانستان و بر قراری مناسبات دوستانه با کشور مذکور دانسته و هیچگاهی افغانستان را کمک نظامی نکرده و اکنون هم قطعات قوای نظامی افغانستان از کلاشنیکوف و چند میل سلاح از مود رفته بیشتر بدست نیآورده است . همان موضعگیری قبلی و موافقه با پاکستان است که هیچگاه قوای نظامی افغانستان نباید بر سر پای خود بیاستد . باورمند هستم که حتی اگر افغانستان خط نام نهاد دیورند را هم برسمیت بشناسد ، بر وضع در کشور ما تاثیر چندان نخواهد کرد و کشور و قوای نظامی به همین حالت فلاکتبار باقی خواهد ماند . مردم افغانستان با گوشت و پوست خود احساس کرده اند که دولت امریکا با کشور شان دوستی صادقانه و امتحان شده نداشته و پیمان ستراتیژیک امضا شده میان دوکشور هم در حدود یک پیمان

کم ارزش باقیمانده و این پاکستان است که سیاست امریکا را در افغانستان سمت داده و کوردینه میکند . شک و تردید مردم افغانستان در مورد صداقت دولتمردان امریکا نسبت به کشور شان بی جهت و نا موجه نیست . بیشتر از 11 سال از اشغال افغانستان توسط ناتو و امریکا میگذرد . در این مدت نه دولت طرف اعتماد مردم بوجود آمد ، نه قوای نظامی و پولیس ملی قوی و جوابگوی نیازمندی های امروزی و نه هم ارگان های قضای که بتواند عدالت را تطبیق و جاری سازد . یک دولت که از سرتپایش با فساد آلوده است و با دزد دهن جوال را میگیرد ، نمیتواند اعتماد مردم را جلب نماید .

بارنت روبین افغانستان شناس امریکایی سال ها قبل از امروز با نوشتن مقاله ای که در نشرات داخلی کشور ما و سایت های انترنیتی خارج از کشور گزارش وسیع یافت ، از دولت امریکا طلبیده بود که کابل را وادار سازد تا خط دیورند را برسمیت بشناسد . موصوف در مقاله خود بدون درنظر گرفتن سوابق تاریخی خط دیورند و حق تعیین سرنوشت ملیت ها و اقوام که جز دموکراسی مروج در غرب هم است ، سوال کرده است که وقتی از پاکستان میخواهیم از حمایت طالبان دست بردارد ، در مقابل برایش چه میدهیم ؟ این است برداشت یک افغانستان شناس امریکایی ! اینکه القاعده با حمایت کامل دولت پاکستان توانست برج های تجارت بین المللی را منفجر ساخته و هزار ها انسان را به کام مرگ ببرد ؛ اینکه طالبان بکمک سازمان جاسوسی پاکستان (ای اس ای) و پناه دادن و حمایت از بن لادن وطن ما را مورد تجاوز و حمله بیشتر از ۴۰ کشور دنیا قرار دادند و اینکه هزار ها افغان و سربازان خارجی بدست طالبان کشته و زخمی گردیده اند و اینکه پاکستان با صدور تروریسم دنیا را گروگان گرفته است ، کاملاً بی تفاوت است و باید برایش امتیاز داده شود . و این امتیاز را هم باید مردم افغانستان که در طی سه دهه اماج تجاوز ، صدور تروریسم ، ویرانی و بربادی قرار گرفته اند ، بدهند . جهان و امریکا نمیخواهند بگویند که افغانستان توسط پاکستان و بدست نوکرانش (مجاهد و طالب) به ویرانه بدل شده و باید پاکستان غرامت بپردازد . بر عکس بارنت روبین از ما میخواهد که به پاکستان امتیاز بدهیم تا از حمایت طالبان دست بردار شود . روبین در ادامه مقاله خود مینویسد . برای اینکه پاکستان از میزبانی و حمایت طالبان دست بردارد و به جای توسعه برنامه های اتمی ، به بهبود زنده گی مردم پاکستان (که جز وظایفش است) تلاش کند ، لازم است تا افغانستان و هند برایش تضمین های امنیتی بدهند . (این همان عدالت گرگ و میش است) همین اکنون هم ولایت سرحدی افغانستان پیوسته مورد حملات راکتی از خاک پاکستان قرار میگیرد . طالبان و ثایر مخالفین توسط پاکستان تجهیز ، تمویل و غرض ویرانی به افغانستان گسیل میشوند . قوای سرحدی پاکستان داخل خاک افغانستان پیشروی کرده و ساحات جدید را اشغال کرده اند . انتحاری ها در مدارس پاکستان آماده شده و ده ها انسان بی گناه را با خود به کام مرگ میبرند . ولی بارنت روبین برای پاکستان تضمین امنیتی می خواهد؟! گروسمن نماینده امریکا برای افغانستان و پاکستان به زخم های مردم نمک پاشیده ، خط دیورند را سرحد بین المللی میخواند . پس کدام مقام امریکایی دوست ما است و از ما حمایت میکند ؟

با حل پرابلم سرحدی با پاکستان کدام مخالفتی وجود ندارد . ولی اکنون ما در موقعیت قرار نداریم که بتوانیم از موضع برابر با پاکستان راه های خروج از این پرابلم را جستجو کنیم. پاکستان در طی سی سال اخیر به حمایت و پشتیبانی دوستان بین المللی اش انقدر برای ما پرابلم خلق کرده است که ما در قدم اول باید متوجه حل این پرابلم ها شده و دولت جوابگو ، پارلمان مردمی (نماینده های واقعی مردم) ، قوای نظامی و پولیس ملی ، اقتصاد قوی ، اعمار مجدد ویرانی های جنگ و از همه مهمتر صلح و صفا را در کشور خود نهادینه سازیم . لذا آرزومندی دوسانیکه علاقمند حل پرابلم سرحدی با پاکستان اند ، در شریط فعلی صرف میتواند یک آرزومندی باشد نه بیشتر از آن .

دشمنی پاکستان با افغانستان و مردمش تنها و تنها ناشی از پرابلم سرحدی میان دوکشور نمیشود . پاکستان در کشور ما خواهان عمق ستراتیژیک است . ای اس ای نقشه های وسیعتر زیر دست دارد تا در افغانستان یک دولت دست نشانده را که در هر حال مخالف هند و مدافع منافع پاکستان باشد ، رویکار آورد . پاکستان چشم طمع به بازار های کالا در کشور ما واز آن طریق به آسیایی میانه دوخته است . هم چنان در صدد جلوگیری از اعمار بند های آبگردان بالای دریا های است که همین اکنون هم بدون مانع به خاک پاکستان می ریزند . همین اکنون پاکستان چندین کیلومتر داخل خاک افغانستان شده و پرابلم دیگری بر مشکلات ما افزوده است . ترانزیت کالا های افغانی از بندر کراچی با حفظ قرارداد های گوناگون تا کنون بار ها از طرف نظامیگران پاکستان با موانع روبرو گردیده است . توقیف کتب درسی مکاتب افغانستان در بندر کراچی چندین ماه را در برگرفت و تلاش های مقامات عالیرتبه کشور برای رهایی کتب

مذکور نتیجه به موقع و موثر ببار نیاورد . ومشلات و پرابلم های دیگریکه با حل موضوع دیورند ، حل ناشده باقی مانده و نمیتواند دشمنی وکشیده گی فعلی را بدوستی و برادری مبدل سازد .

از آنچه گفته آمد ، میتوان استنباط کرد که جهت حل ویا طرح موضوع دیورند برای افغانستان و مردمش زمینه مناسب نبوده وما نیازمند زمان و بهبود شرایط در کشور خود میباشیم . ما به صلح و آرامش ضرورت داریم که برسمیت شناختن این خط منحوس ما را به هدف نمی رساند . ما به بهبود زنده گی مردم نیاز داریم که برسمیت شناختن خط دیورند در زمینه ما را کمکی نمیکند . ما به نظام قوی و مسوول ضرورت داریم که برسمیت شناختن خط دیورند ما را به این هدف نمیرساند . آنچه ما را در شرایط حاضر کمک میکند ، وحدت ، اتحاد و یک پارچگی مردم ماست . مردم سرچشمه فنا ناپذیر قدرت اند . اگر آنها متحد شوند ، منافع خود و بیگانه را تشخیص بدهند ، با حس وطنپرستی و دفاع از منافع علیای وطن ما میتوانیم قلعه های بزرگ پیروزی را پیموده ، وطن خود را آباد و شگوفان و دشمنان خود را ذلیل وسرافکنده سازیم . لذا برخورد تعصب آمیز و غیرواقعیانه با حل معضله دیورند به جز دادن امتیاز بی جا و بی هدف برای طرف ، کدام معنی ومفهوم دیگر داشته نمیتواند .

همانطوریکه پاکستان حق ندارد بخاطر ماندن قبایل آنطرف خط دیورند بر،ایشان فشار آورد به همان ترتیب برای ما هم به جا نیست قبایلی مذکور را مجبور سازیم تا در جمع ما بیایند . ماندن در پاکستان ، جدا شدن از آن ویا آمدن قبایل مذکور به وطن آبایی شان (افغانستان) تصمیم آنها بوده که ما به آن احترام قایل میباشیم . سروصدا های بیجا و بی موقع در مورد برسمیت شناختن خط دیورند ، بیانگر تعصبات ملی ، کوتاه نظری های قومی ویا زد و بند های پشت پرده با بیگانه ها بوده و با واقعیت های عصر و زمان بی ارتباط میباشد.

2012 . 11 . 04